

MARVEL

028

DUGGAN

ESPIN

REDMOND

COMIC CITY

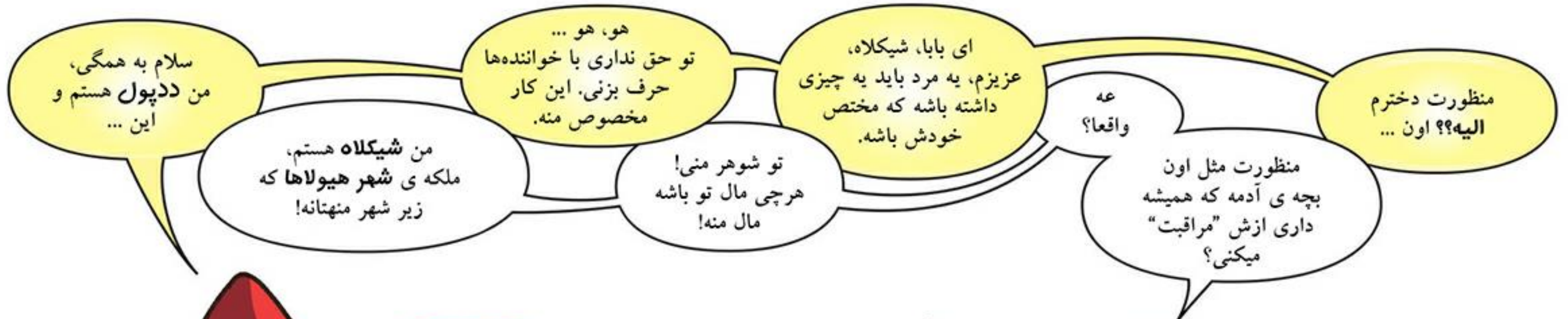
DEADPOOL

تالظه ی مرگ ... قسمت اول



انتقام جو ... قاتل ... سوپرستار ... آدم بد بو ... اگه ماهرترین مزدور دنیا نباشه، قطعاً رو مخ ترین هست. وید ویلسون واسه یه برنامه ی فوق سری از سوی دولت انتخاب شده بود که بهش یه سری قدرت داد که بتونه هر زخمی رو درمان کنه. ولی یه جورایی، با اینکه فقط پولشو میگرفت کارش رو میکرد، وید تبدیل به پرتفدارترین "قهرمان" تو دنیا شد. صدش کنین پول پرست وراج ... صدش کنین احمق نمردنی ... صدش کنین ...

ددپول



L'I DEADPOOL ART BY IRENE Y. LEE

مترجم و ویراستار: احمد کلاتیانی

Gerry Duggan
writer

Salva Espin
artist

Ruth Redmond
colorist

VC's Joe Sabino
letterer

Reilly Brown & Jim Charalampidis
cover artists

Heather Antos
assistant editor

Jordan D. White
editor

Axel Alonso
editor in chief

Joe Quesada
chief creative officer

Dan Buckley
publisher

Alan Fine
executive producer



کمیک سیتی با افتخار تقدیم میکند

© 2017 Marvel Characters, Inc. All rights reserved. All characters featured in this issue and the distinctive names and likenesses thereof, and all related indicia are trademarks of Marvel Characters, Inc. No similarity between any of the names, characters, persons, and/or institutions in this magazine with those of any living or dead person or institution is intended, and any such similarity which may exist is purely coincidental. WWW.MARVEL.COM

همیشه اولین باری که زن
خوشگلم - و البته جدیدترین زنم -
رو دیدم یادم میمونه.



تازه از خوابش تو
تابوت بیدار شده بود.



الان که به گذشته ها
نگاه میکنم ...



... همون لحظه باید میفهمیدم
که همه ی این قضایا به کجا
ختم میشه.





گوش کنین، فکر کنم همه میدونستیم که من قراره شوهر مزخرفی باشم. درواقع یادمه که اصلا موقع قولای موقع عقدمون هم گفتم اینو.



بین مشکلاتی که با تیم اونچرز و قضایای کلاه دیوونه داشتم ...



بکشیدش!

خیلی در جریان نیستم که بعدش چی شد. یا یکی به اندازه همه اسلحه آورده بود، یا همه خودشتون به اسلحه داشتن ...



حالا هرچی که بود ... به
روش خیابونی عدالتو توی مترو
اجرا کردن.

از اینجا به بعد دیگه
قضیه فقط مربوط میشه به
شیکلاه.



این یکی دیگه همه چی توشه:
دعوا، عشق، کمی کمیدی، و واسه ی این
هیولاهه هم کلی غم و تراژدی.



خطر اسپویل: امکان داره
نا امیدش کنم!

وای نه.





حالا بهتر شد
خوشگلم. چه خبرا؟

حوصله
ندارما!!



خب بچه ها، الان وقت
خوبیه که یه کم برین
عقب.

کشتن آدما
مسائل تورو حل نمیکنه
عزیزم.



فارکس از قبل
اینکه وایکینگا اینجا
رو قرنهای پیش
"کشف کنن"، اینجا
زندگی میکرد.

اون آخرین از نژادشون
بود، بدنش از مغزش بیشتر
زنده مونده بود، و امروز اومد
بیرون.

میگن آخرین حرفش
راجع به این بوده که
میخواست بره خونه!!



اینجا مترو نیویورکه.
من یه بار یکی رو واسه
شیپور زدن کشتم.

"شیپور زدن" یکی دیگه
از کلمات رنگارنگیه که
به جای چیزای دیگه ...

گوش کن عزیزم،
من مناسقم که این اتفاق
افتاده ... ولی سعی کن فکر
کنی ببینی که این قضیه واسه
کارکنای این ایستگاه چطوری
به نظر میرسه. یه هیولای گنده
میاد شروع میکنه داد
زدن.

این چیزا همیشه
توی این دنیای دیوونه
اتفاق میفته.





شهر نیویورک هیچ
قانونی در کتابها برای
محافظت از زندگی، آزادی، و
خوشی موجودات غیر
انسان ها نداره.

متهمین آزاد
میشن و دستورات
دستگیرشون لغو میشه.



هاه!
عدالتون اینه؟؟



من غم شما رو
میفهمم و میتونین در
دادگاه انسانی درخواست
خسارت کنیند.



نیازی نیست.

باید عدالت خودمو
راه بندازم.

هر چیزی خواهد
بود به جز انسانی.



هی، چطوره فقط
از یکی از جادوگرات بخوای
مارکس رو احیا
کنه؟

فارکس.
و به این سادگیا
هم نیست.

منو ببر خونه.
همین الان، جادوگر.





با دوستانم آشنا شو.

به نظر میاد که داری به نمایش ترسناک از راکتی رو آماده میکنی.

اووووو، آره دارم. یه چیزایی آماده میکنم.

حالا بذار نگهبانان ملکه ی من تیکه تیکه ات کنن و بندازنت تو این قوطیا.



شوخی نمیکنم باهات. من به تیم جنگ آماده کردم و دارم میرم شهر رو تسخیر کنم. نمیخوام تو سرعت کارامو کم کنی.

هرموقع به آینده ای ساختم که ارزش زندگی کردن داشت، میام سراغت.

با دوستانم بهت خوش بگذره.

ام. صبر کن، چیس؟؟



خیلی خب دوستان ... مساله شخصی نیست، مگر اینکه ... صبر کن بینم ... شماها که دیگه با زن من نپریدین تا حالا، ها؟



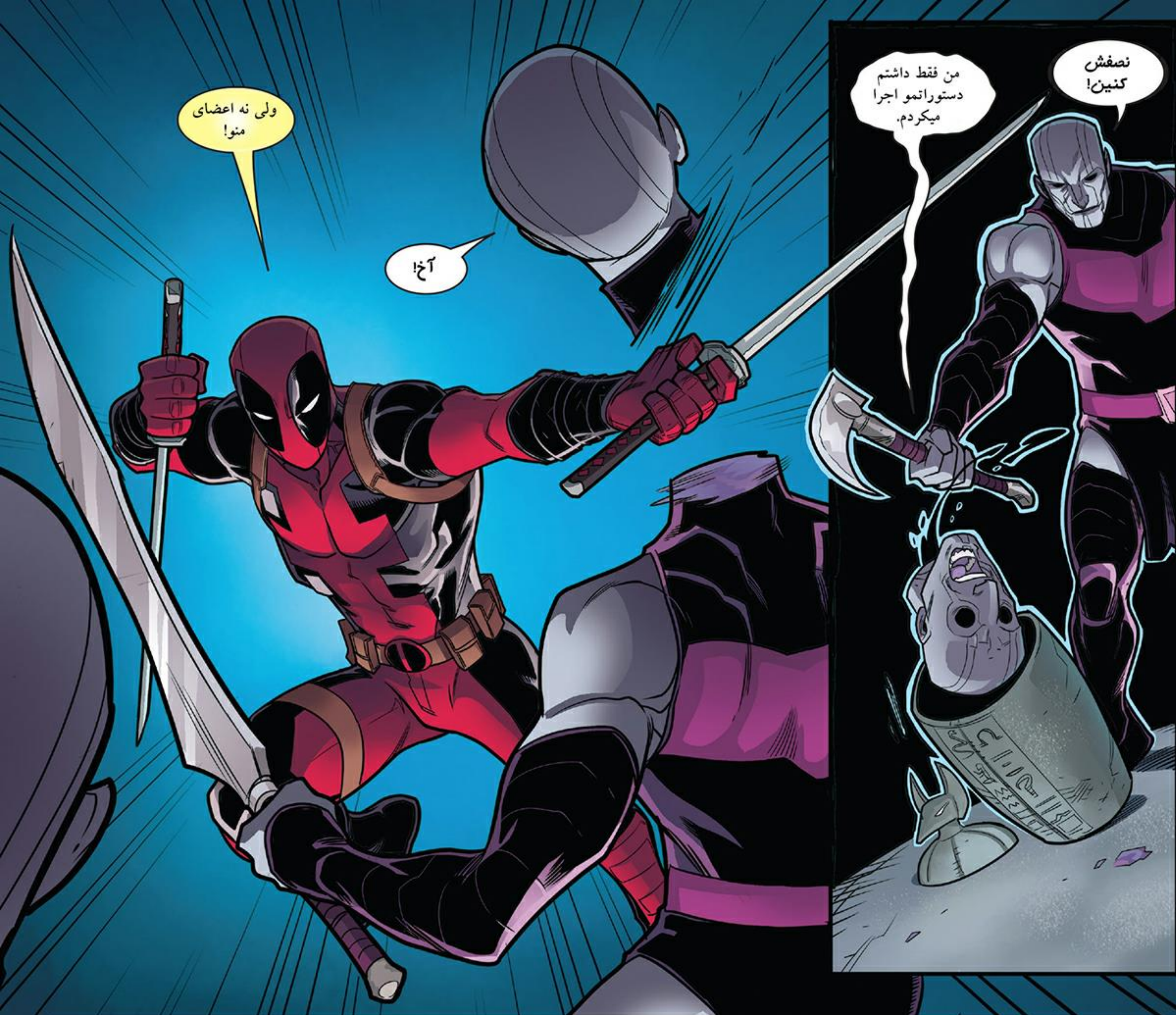
ام.

خب ...



آشغالای کثافت!!

باشه خب به سری اعضای تیکه تیکه شده رو میریزیم تو اون قوطیا.



ولی نه اعضای
منوا

آخ!

من فقط داشتم
دستوراتمو اجرا
میکردم.

نصفش
کنین!



آخ!!

به زخم بگو
بوست کنه خوب
شی.



خیلی دوست دارم
بمونم و انقدر بزنمتون تا
از نعمت بچه بی نیسب بمونین.
ولی مشکلات بزرگتری
دارم.





اون نباید فرار
کنه!!

شرمنده، کار
دارم.



شیکلاه مارو
تعلیم داده که تا
لحظه ی مرگ بهش
خدمت کنیم.

خب پس منم
به جور دیگه تعلیمت
میدم.



کووو-
کووو!



اینجور موقع ها که دوست پسرا/قاتلا تعلیم
دیده ی زنت میفتن به جوته که متاهل بودن
سخت میشه.



من از روی عشق و علاقه
ازش خاستگاری نکردم، بلکه واسه
جلوگیری از همین مشکلات بود.



با این حال، سخته
که با موفقترین ازدواجم
بحث کنم.



من واقعا اون زن
دیوونه رو دوست
دارم ...



... ولی اگه شیکلاه
واقعا تا این حد تو تاریکی فرو
رفته، منم واسه اینکه جلوشو
بگیرم به کمک نیاز دارم.



شرمنده که از طریق گروه اینو
میگم، ولی یه کم کمک نیاز
دارم.



امیدوارم که استیو راجرز
اول جواب بده، اونطوری بعدش
همه میگن باشه.



هیچکس نمیخواهد کاپیتان
آمریکا رو نا امید کنه.

شرمنده وید،
سرم شلوغه.

استیو راجرز

مزدور های آماده ی پول

هر چی که
هست، جواب
نعه!

MONSTER ATTACK!

گوشیمو تازه گرفتم،
شما؟

مرد عنکبوتی

آیرون فیست و لوک کیج

توهم پیغامش
رو میبینی؟

آره، شماره های
جدیدمونو از کجا
آورده؟

وقتشه شماره
جعلیه جدید
بگیریم.

مستّر سینیاستّر

قطعا جوابم
منفیّه!

واسم سواله که
این شماره های دیگه
کی ان ...

"مناسقم
شیکلاه ..."

... شوهرت از
دست قاتلین ما
فرار کرده.

خجالت آورده.

بعدا حالا
ترتیش رو
میدم.

حداقل فعلا
تو دست و پای من
نیست.

بهم الهام شد. دنیا ها
با هم برخورد کردن و من رفتم
قدم زنی تو عالم اموات.

وقتی بیدار شدم میدونستم
کجا رو دنبال عصا بگردم.

م...منو ببخش،
ولی اون عصای سلطنتی
منتیکوره؟؟

خودشه.

فکر میکردم
تو زمان گم شده. دراکولا
گشت ولی نتونست
پیداش کنه.

این عصا تو آتش های
باستانی ساخته شده و به
جادو های خیلی قدیمی آغشته
شده. ما میتونیم دنیای زیرین رو
طوری متهد کنیم که تا حالا
نبوده.

دوستان و دشمنان
من، به من گوش
کنین ...

... من شیکلا هستم،
ملکه ی دنیای زیرین. من در این
دنیای زشت بیدار شدم و دیدم که چیزی
که بهش میگین فرهنگ و انسانیت هر گونه
بی عدالتی ممکن رو نادید میگیره.

حکومت فاسدی
که دزدان خوک صفت
راه انداختن رو به
پایانه.

من سعی کردم با
انسان ها در صلح زندگی
کنم، ولی شما چیزی جز مرگ
و میر برای افراد من نداشتین.

دیگه
کافیه!



دیگه اینبار
چی شده؟

یه چیزی راجع به
هیولاها زیر منتهان؟

آره عزیزم. فکر
کنم بهشون میگن چاب
یا چاد یا به همچین
چیزی.





... ولی
مشتاقم که
از ددپول واسه
ترکوندن کله ام
انتقام بگیرم.

قیافه جدیدت
نسبت به قبلی خیلی
بهره جک.

بعدشم با زن
ددپول بچرخه همین
سرت میاد.

شیکلاہ رئیسہ،
من یہ جورایی
مجبور بودم.

گوش کنین،
اوضاع به این خوبی
این پایین داریم، چرا باید
بریم بالا و نیو یورک و
بترکونیم؟

کرکینه‌ی نیمه شب

فراخشتیان مومیایی زنده

مارکس،
کلادیاتور دیابتی
نیمه اسب کرکینه‌ی
پارباتی

مرد نامرئی



اون جنگی که
راه انداختن هم مسخره بازی‌ای
پیش نیست، منظورم اینه که: تا حالا
کی امثال ما جنگ اون بالا رو بردن؟

فرانکشتاین براش
مهم نبود ... فرانکشتاین
فقط خواست جنگیده.



رئیس شکلاہہ،
اونم عصای سلطنتی
دستته.

شاید الان فرصتمون
باشه. واقعا فکر میکنم کشورای
قدیمی جواب دعوت شیکلاہ
به جنگو میدن؟

شاید بتونیم دوطرفه
کار کنیم و آخرش با
برنده بمونیم؟

جنگ!

"لعنتی. فکر کنم باید
بریم نیو یورک و کمک
کنیم ...



اون
تیغه!

مگر اینکه مرده باشم
که بذارم نیویورک توان
خریت های اونو بده!!



DEADPOOL

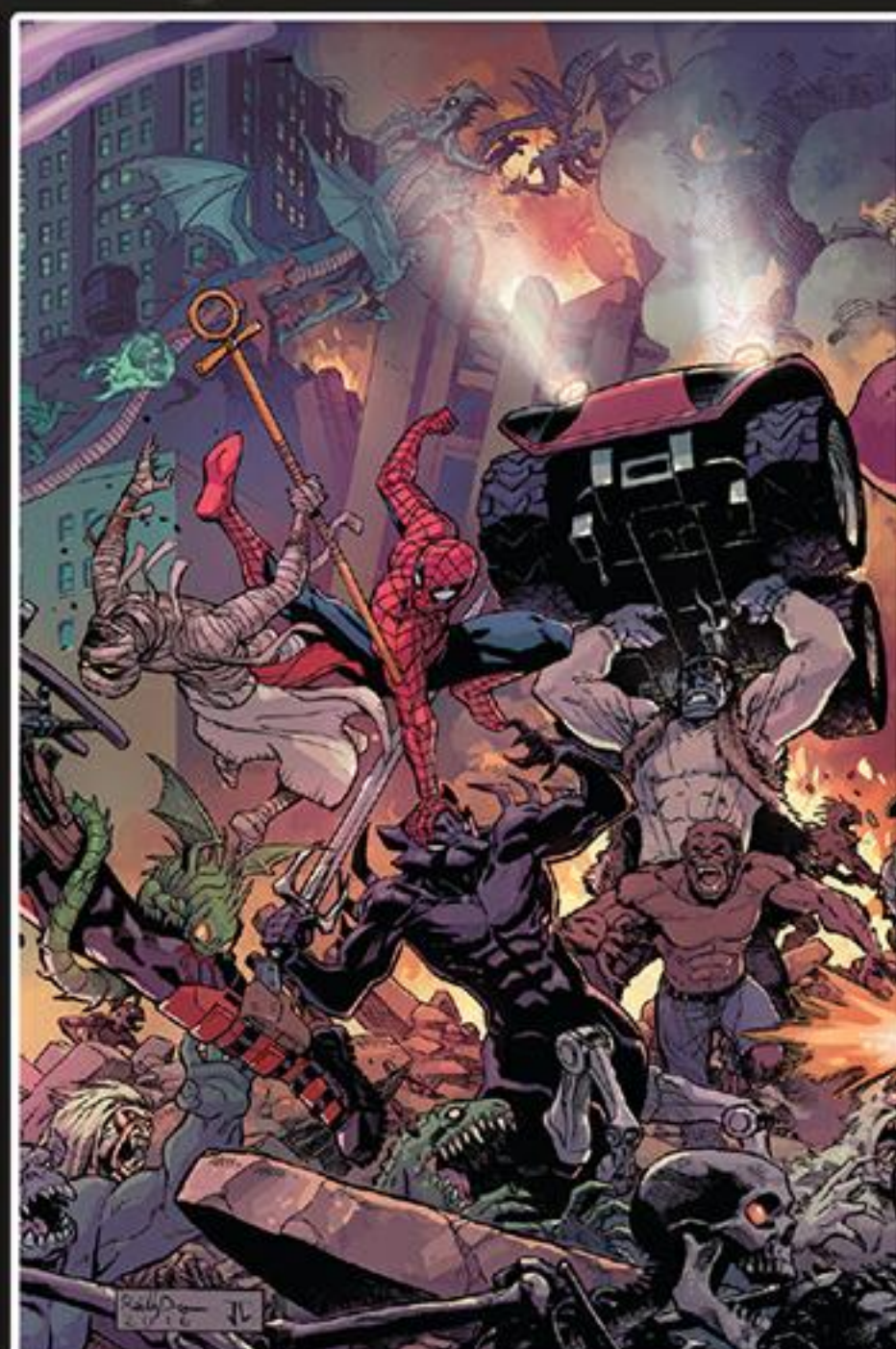
تا لحظه ی مرگ ...

قسمت اول



ددپول شماره ۲۸

قسمت دوم



مرد عنکبوتی و ددپول شماره ۱۵

قسمت سوم



ددپول و مزدورهای آماده ی پول شماره ۹

قسمت چهارم



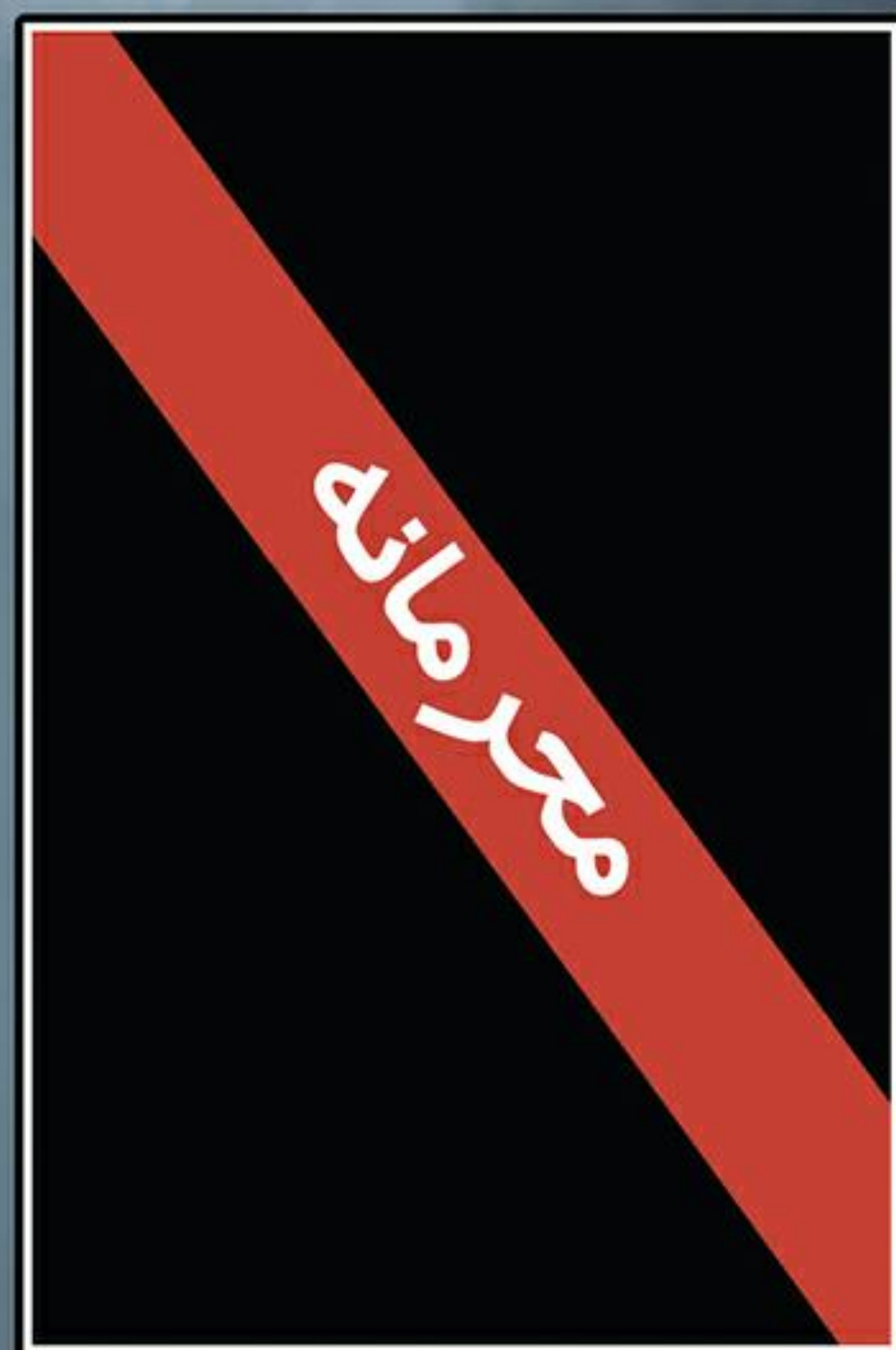
مرد عنکبوتی و ددپول شماره ۱۶

قسمت پنجم



ددپول و مزدورهای آماده ی پول شماره ۱۰

قسمت ششم



ددپول شماره ۲۹

ترجمه شده توسط:

کمیک سیتی

مرجع دانلود کمیک های ترجمه شده

 www.comic-city.ir

 @ComicCityIR

 @ComicCityIR



BatMan



The Flash



Deadpool



Assassins
Creed



Arrow



Ant-Man



Spiderman